

در نشست اختصاصی «جام جم» با عوامل سریال شبکه یک سیما بررسی شد

## «راز ناتمام» شبکه نفوذ

۸

# برجام

ویژه فرهنگ - هنر | رسانه - جامعه

یکشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۲۹۴

گفت‌وگو با عوامل مجموعه مستند «همسایه‌های خوب»

## قصه آدم‌های معمولی در جعبه جادو

مجموعه مستند «همسایه‌های خوب» به کارگردانی مهدی بخشی‌مقدم و تهیه‌کنندگی مهدی شاه‌محمدی با شعار «گاهی آدم، حال خوب قرض می‌کند از همسایه خوب» به‌عنوان تازه‌ترین محصول مرکز مستند سوره، شنبه تا سه‌شنبه هر هفته ساعت ۱۹ از شبکه دوپخش می‌شود...

۷

### سبک زندگی

مسجد جامع صفاء مکان خاصی است که برای تربیت نسلی انقلابی قدم برمی‌دارد

## مسجدی برای صفای دل نسل جدید

حالا بسیاری از مساجد برای افشار مختلف برنامه‌ریزی و برای کهنسالان و جوانان برنامه‌های اشتغال‌زایی و اردوهای مذهبی برگزار می‌کنند اما یکی از مساجد تهران برنامه‌هایش با دیگر مساجد پایتخت فرق دارد...

۱۷



# فیلم و سریال‌هایی که «برجام» را لو دادند!

۵



گفت‌وگو با نیما نادری بازیگر سریال درحال تولید «شهپاز»

## انتخاب من نقش‌های منفی است

۶



به انگیزه عذرخواهی آکادمی اسکار از دختر شجاع سرخیوست

## دادخواهی رنگین‌پوستان از هالیوود

۱۰



گفت‌وگو با محمدرضا پورحکیمی کارگردان نمایش «خانه خراب»

## بازسازی «مولیر» در دوران مشروطه

۱۱

### تلنگر

و سریالی که موضوع فوق را در قاب دوربین خود قرار دادند، نگاهی داشته‌باشیم:

### «سقوط کاخ سفید» (white house Down)

این تریلر سیاسی برای اولین بار در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۳ (۶ تیرماه ۱۳۹۲) به نمایش عمومی درآمد. فیلمی ساخته رولند امریش، فیلمساز تبلیغاتی آمریکایی که آثارش مانند «روز استقلال»، «روز پس از فردا»، «۲۰۱۲»، «۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد» و... را در کارنامه خود دارد.

در فیلم «سقوط کاخ سفید» که حدود دو هفته پس از انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری اسلامی ایران به نمایش عمومی درآمد و البته تولید آن ماه‌ها پیش صورت گرفته بود) برای نخستین بار، برنامه هسته‌ای ایران از سوی رئیس جمهور رسیده‌پوست آمریکا به نام جیمز سائز (با بازی جیمی فاکس) صلح‌آمیز معرفی شد و تلاش به عمل آمد تا مذاکرات صلح برای انجام توافقی با ایران ادامه یابد. رئیس‌جمهور ایران در فیلم سقوط کاخ سفید که «الشریف» نام دارد، طرف ایرانی مذاکرات را تشکیل می‌دهد اما گروهی درون کاخ سفید به سرکردگی مارتین واکر (جیمز وود)، رئیس تیم محافظت رئیس‌جمهور، مخالف برنامه هسته‌ای ایران بوده و آن را منجر به ساخت بمب اتمی می‌دانند، درحالی‌که رئیس‌جمهوری «سائر» به‌سختی با این تفکر مخالف است و می‌گوید برای جلوگیری از جنگ باید راه مذاکرات را در پیش گرفت. در واقع آنچه پس از انتخابات دور یازدهم ریاست جمهوری در زمینه مذاکرات هسته‌ای و سیاست‌های ایالات متحده نمود پیدا کرد، در فیلمی مانند سقوط کاخ سفید خود را به‌وضوح نشان داد. مثلا از نکات قابل‌تأمل این فیلم، تماس تلفنی رئیس‌جمهور آمریکا با رئیس‌جمهور ایران است که تا آن زمان سابقه نداشت ولی دو ماه و نیم بعد از نمایش در فیلم سقوط کاخ سفید در جریان مجمع عمومی سازمان ملل اتفاق افتاد!

### «سریال میهن» (Homeland)

سریالی معمایی جاسوسی محصول کمپانی اسرائیلی «کیدئون» که پخش آن از دوم اکتبر ۲۰۱۱ (۱۱ مرداد ۱۳۹۰) آغاز شد. در قسمت ۱۱ از فصل سوم این سریال که هشتم دسامبر ۲۰۱۳ (۱۸ آذر ۱۳۹۲) پخش شد، یک افسر نیروی دریایی آمریکا به نام نیکلاس برودی به ایران فرار کرده و ظاهراً به‌عنوان مخالف سیاست‌های جنگ طلبانه ایالات متحده پنهان‌ده شده اما طی عملیاتی غافلگیرانه، هنگام ملاقات با فرمانده سپاه قدس ایران، وی را به قتل می‌رساند. در قسمت ۱۲ از همین اپیزود که ۱۵ دسامبر ۲۰۱۳ (۲۵ آذرماه ۱۳۹۲) نمایش داده شد، معلوم می‌شود که چهار ماه پس از ماجرای قتل فرمانده سپاه قدس، ایران به‌طور کامل همه شرایط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را پذیرفته، برنامه هسته‌ای خود را به‌طور کامل متوقف کرده تا تحریم‌هایی که علیه او وضع شده، لغو شود. این درحالی‌است که توافق ژنو به‌عنوان پیش‌درآمد توافق نامه برجام، در سوم آذرماه همان سال انجام گرفته بود و پیش‌فصل سوم سریال میهن از ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳ یعنی حدود سه ماه پیش از توافق یاد شده آغاز شده بود. درواقع سه ماه پیش از روشن شدن نخستین نتایج مذاکرات هسته‌ای در ژنو (به‌عنوان توافق موقت)، این نتایج در یک سریال تلویزیونی مشخص شده بود!

# فیلم و سریال‌هایی که «برجام» را لو دادند!



حسن: خبرخوبیه،

**فرهاد:** ولی یه شرطی هم هست. اون‌ها اصرار دارن رئیس هیات بازرسی آژانس، یک آمریکایی باشه. حسن: من که فکر می‌کنم بتونم قبول کنم، تو چی؟ **فرهاد:** تو که می‌دونی من چی فکر می‌کنم. تا حالا هم به اسم صلح، توی خیلی چیزها تسلیم شدم. حسن: خیلی داری دیگه تند میری، تسلیم کلمه درشتیه فرهاد. واقعا غیر از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای مون توی چه چیزی تسلیم شدیم؟ **فرهاد:** همین کافی نیست؟ تفکیک کردن ۶۰۰۰ سانتریفیوژ از یکدیگر.

**حسن:** چرخوندن ۶۰۰۰ سانتریفیوژ برای مانور سیاسی خوبه ولی داره باعث می‌شه کشورمون ورشکست بشه! حقیقت اینه که این ما نیستیم که داریم بخشندگی می‌کنیم، رئیس‌جمهور تیلور تحریم‌های اقتصادی رو برداشته و پیشنهاد به بسته حمایتی به ارزش میلیارد‌ها دلار داده. هرچیزی می‌خواستیم گیرمون اومده، فرهاد.

**فرهاد:** تا زمانی که این به کلک نباشه...»

اگر در زمان نمایش فصل هشتم از سریال تلویزیونی «۲۴»، چنین صحنه‌ها، کاراکترها و دیالوگ‌هایی غریب به نظر می‌آمد اما با اعلام توافق‌نامه موسوم به برجام، پنج سال بعد از پخش سریال فوق، کاملا واقعی و ملموس به‌نظر می‌رسد؛ یعنی آنچه در سال ۲۰۱۰ یک سریال تلویزیونی به‌صورت تصویری گنگ و غیرواقعی، نمایش داده‌شده بود، پنج سال بعد به‌تحقق پیوست و عملی شد. مذاکرات رودرروی هسته‌ای با ایالات متحده آمریکا (نه حتی در قالب ۵+۱، نگرانی بازرسی‌های سرزده، کاهش سانتریفیوژها در حد کمتر از ۶۰۰۰، نگرانی از عدم تصویب مجلس و... موضوعاتی بودند که پنج سال بعد و در توافق‌نامه برجام به حقیقت پیوستند. البته فصل نهایی سریال «۲۴»، تنها فیلم و سریالی نبود که به موضوع مذاکرات هسته‌ای با ایران پرداخت و پیش از انجام توافق، ابعاد مختلف آن را باز کرده یا درآهان عمومی زمینه‌چینی کرد. بی‌مناسبت نیست به دو فیلم

**تیلور:** حالا آقای رئیس‌جمهوری، بریم سراغ مسأله بازرسی‌ها. بیان شما در آخرین پیشنهادتون مبهم است. حسن: اجازه بدهید صریح صحبت کنم، کشور من می‌پذیره که به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نباشه، با نظارت کامل دیدبان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. **تیلور:** ولی جناب رئیس‌جمهور، شرایط ما این بود که بازرس‌ها آمریکایی باشن نه از آژانس.

□□□

**حسن:** خانم رئیس‌جمهوری، اگر پاسداران انقلاب مادر خاک شما پایگاه داشته باشن، کنگره شما چی بهتون می‌گه؟ مجلس ملی من هم همون را میگه. حتی اگر من با این موضوع موافقت کنم، اونا تصویبش نمی‌کنن. بالاخره من که پادشاه نیستم.

□□□

(صحنه بعد، تیلور مشغول مشورت با معاونش در اتاق مجاور است) **تیلور:** یه جوری چیزی که می‌خواد بهش بده...

**معاون:** خانم رئیس‌جمهوری...

**تیلور:** شنیدی چی گفتی؟ مسأله بازرسی‌ها راحل کن. (به رئیس‌جمهور حسن که در اتاق مجاور است نگاه می‌کند) این مرد رهبریه که در هر دوران یک‌بار گیر میاد و همین الانش هم حمایتش را از سازمان‌های تروریستی قطع کرده و به‌طور خصوصی هم داره از راه‌حل ایجاد دو کشور (در فلسطین اشغالی) دفاع می‌کنه. چقدر دیگه می‌تونیم ارزش انتظار داشته باشیم که خودش را به خطر بندازه؟

□□□

(در اتاق دیگر، رئیس‌جمهور حسن با برادرش فرهاد مشورت می‌کند). **فرهاد:** من همین الان داشتم با «کینن»، وزیر خارجه آمریکا صحبت می‌کردم. اون شرایط ما رو پذیرفته.

هنگامی که در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ با توافق‌نامه موسوم به «برجام» برنامه جامع اقدام مشترک، جزئیات توافق هسته‌ای ایران و غرب روشن شد، برخی از تماشاگران حرفه‌ای سریال‌های تلویزیونی به یاد فصل هشتم سریالی به نام «۲۴» افتادند که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ از شبکه تلویزیونی فاکس پخش می‌شد و پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای نخستین بار مسأله مبارزه ضدتروریستی را به‌عنوان موضوع اصلی یک مجموعه تلویزیونی در کادر دوربین خود قرار داد. ماجرای ماموری به نام «جک بائر» با بازی کيفر ساترلند که در واحد ضدتروریستی CTU هر روز با یک ماجرای تروریستی (همچون سوء قصد به جان رئیس‌جمهور، حملات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی، حملات سایبری و خنثی کردن توطئه‌های شرکت‌های بزرگ) مواجه‌شده و تلاش می‌کرد تا توطئه یاد شده را خنثی کند. ساختار سریال به‌گونه‌ای بود که هر یک از این روزها (۲۴ ساعت) یک فصل این سریال را در ۲۴ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای تشکیل می‌داد. اما فصل هشتم سریال «۲۴» که در واقع آخرین فصل آن بود، از ۱۷ ژانویه سال ۲۰۱۰ تا ۲۳ ماه می‌همین سال (۲۸ دی ماه ۱۳۸۸ تا ۴ خرداد ۱۳۸۹)، در ساعت ۲۱ هر دوشنبه شب از شبکه فاکس روی آنتن رفت. ماجرای فصل هشتم درباره مذاکرات هسته‌ای رئیس‌جمهوری کشور جمهوری اسلامی کامیستان به نام «حسن» با رئیس‌جمهور آمریکا به نام «تیلور» در نیویورک بود. این درحالی بود که مخالفان این مذاکرات در کامیستان، توطئه قتل حسن را برای متوقف کردن مذاکرات طراحی کرده بودند و در این‌جا بود که جک بائور وارد میدان شد. آنچه در زیر می‌آید، بخشی از فصل هشتم این سریال است (توجه کنید که این صحنه‌ها، حدود پنج سال پیش از توافق‌نامه برجام و چهار سال قبل از آغاز مذاکرات منتهی به آن، پخش شد):

**«گزارشگر تلویزیون:** اینجا در سازمان ملل لحظاتی پیش سخنگوی کاخ سفید تأکید کرد که رؤسای‌جمهور «تیلور» و «حسن» یک کنفرانس خبری مشترک برگزار خواهند کرد. انتظار می‌رود که رئیس‌جمهور حسن، لغو برنامه تولید سلاح هسته‌ای از سوی کشورش را اعلام کند. رئیس‌جمهور حسن اعلام کرده است که ایشان این قرارداد را یک موفقیت تاریخی و شروعی تازه برای کشورش و همچنین کل منطقه خاورمیانه می‌دانند.



سعید مستغاثی منتقدساز و کارشناس سینما

### مولفانی که مترجم می‌شوند

درباره مقایسه میزان ترجمه و افزونی آن بر تألیف بسیار گفته شده است. نمی‌توان گفت که کیفیت آثار نویسنده و تصویرگر کودک و نوجوان داخلی نسبت به نویسنده و تصویرگر خارجی پایین‌تر است. اگر ۲۰ یا ۳۰ سال گذشته این سخن را می‌گفتیم، امکان داشت کسی این موضوع را باور داشته باشد اما امروز چنین قضایاتی درست نیست. در چند سالی که برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان داوری می‌کردم کتاب‌های مختلفی را از ناشران مختلف می‌دیدم و هم کار ترجمه و هم کار داخلی را بررسی می‌کردم. به این نتیجه رسیدم بسیاری از نویسندگان و تصویرگران ما از هم‌تایان خارجی خود کم ندارند. حقیقت این است که ما کم‌شنوری هستیم یا چند هزار نویسنده و مقابله و مواجهه ما با یک جهان است. یعنی ما با جهان آلمانی‌زبان، اسپانیایی‌زبان انگلیسی‌زبان و... روبه‌رو و درحال وارد کردن محتوا و ترجمه هستیم و یک کشور چندصد میلیونی در مقابل یک جهان چندصد میلیاردی قرار دارد. آن هم اگر ادبیات شرق اعم از چین، ژاپن، هند و این کشورها را به حساب نیاوریم. بنابراین کمیت و تنوع ادبیاتی که نویسندگان ایرانی با آن روبه‌رو هستند بسیار بالاست. این‌که ما در حال مقابله با این کمیت و تعداد هستیم به این معنی نیست که کار ما کم‌شنوری است. اصلا این گونه نیست. ما در مقاطعی خصوصا ادبیات نوجوان هم‌سنگ ادبیات جهان هستیم و در این ۳۰ سال ادبیات نوجوان ما تنوع و نگرش تازه‌ای پیدا کرده است و در ادبیات کودک نیز ایده‌های درخشان مشاهده می‌شود. اگر از نویسنده ایرانی اقبال نمی‌شود اصلا به معنای ضعیف بودن کارهای او نیست. ما تولیدکننده هستیم و تولیدات ادبیات کودک و نوجوان را می‌بینیم و معتقدیم که از سطح ادبیات جهان عقب نیستیم. اما اگر در جهان ترجمه نمی‌شویم و می‌بینیم کشوری مانند کره جنوبی در حال معرفی ادبیات‌اش در سطح جهان است

دلائل مختلفی دارد. چرا که سیاستمداران آن کشور به این مسأله رسیده‌اند که معرفی فرهنگ یک ملت با ترجمه آثار هنری و ادبیاتی آن کشور امکان‌پذیر است. برای همین در کشور ما عمدتاً هنرینه‌ای در این بخش نمی‌شود و بیشتر ترجمه می‌کنیم تا این‌که خودمان ترجمه شویم. دوستان نویسندگی در حوزه کودک و نوجوان و حتی بزرگسال دارم که صاحب سبک و ژانر نویس هستند که قصد داشتند به طور حرفه‌ای فقط نویسنده باشند و کار قلم کنند، نه این‌که هم کارمند اداره و جایی باشند و هم گهگاهی کتابی نیز چاپ کنند. اما حقیقت این است که بسیاری از این دوستان ناامید شده و به‌طور کامل کار نوشتن را کنار گذاشته‌اند و تعدادی از دوستان مولف نیز که همچنان می‌خواستند در این فضا تنفس کنند مجبور شدند به کار ترجمه رو بیاورند. یعنی اکنون ما مولفان و نویسندگانی داریم که مترجم شده‌اند. این اتفاق بدی نیست و هرکسی می‌تواند مهارت‌های بسیاری مانند نویسندگی و ترجمه را با هم داشته باشد. اما مسأله این است که رو آوردن یک نویسنده به ترجمه از سرائین است که آن نویسنده نمی‌تواند زندگی‌اش را تنها از راه نوشتن بگذراند. بهتر این است که فرد انرژی و تمرکزش را صرف کاری کند که بلد است و به آن علاقه دارد. بسیاری از دوستانم که نام و نشان‌شان را از تالیف به دست آورده‌اند حالا نام‌شان بر روی کتاب‌های ترجمه شده می‌خورد. در نهایت ما با این کار نویسندگان خلاق مان را از دست می‌دهیم.



محمدرضا موزوقی داستان‌نویس